

به نام خدا

توصیف واکه‌های گویش لکی نورآبادی در قیاس با زبان فارسی

دکتر مهین‌ناز میردهقان^{۱۷}

محمد نوری^{۱۸}

چکیده:

مقاله حاضر با هدف توصیف واکه‌های گویش لکی نورآبادی در تقابل با زبان فارسی نوشتاری معیار نگاشته شده است. بر این مبنا به دنبال مقدمه‌ای کوتاه مشتمل بر جایگاه این گویش در خانواده زبان‌های ایرانی به ارائه مجموعه‌ای از تحلیل‌های ساختاری در آن می‌پردازیم. تحلیل فوق واکه‌های گویشی را در دو دسته‌بندی عمده در قالب واکه‌های ساده و مرکب مورد بررسی قرار داده، و با تاکید بر نقش واجی کشش واکه‌ای در این گویش، واکه‌های ساده را در چهار دسته (۱) پسین و گرد [u/, ʊ:/, /ɔ/, ɔ:/, /a/, a:/]، (۲) پیشین و گسترده [i/, i:/, /ɪ/, ɪ:/]، (۳) پیشین و گرد [y/, y:/, /ø/, ø:/] و (۴) مرکزی [θ/, θ:/, /ɜ/, ɜ:/] ارائه و توصیف می‌نماید. تقسیم‌بندی فوق مجموعه‌ای مشتمل بر ۱۶ واکه ممیز را در نظام واکه‌ای گویش در مقابل نظام ۶ واکه‌ای فارسی برمی‌شمرد. عدم وجود واکه‌های مرکب نیز در تحقیق حاضر در گویش مورد تحلیل واقع شده است.

کلیدواژه: گویش لکی نورآبادی، نظام واکه‌ای، طبقه‌بندی واکه‌ها، کشش واکه‌ای، تفاوت و تشابه با فارسی

^{۱۷} استادیار زبان‌شناسی - دانشگاه شهید بهشتی

^{۱۸} کارشناس ارشد زبان‌شناسی - دانشگاه شهید بهشتی

۱- مقدمه:

لکها گروهی مستقل از اقوام ایرانی آریایی هستند که فرهنگ، موسیقی، آداب و رسوم خاص خود را دارا می‌باشند. محل سکونت آنان زاگرس میانی و در استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه و همدان می‌باشد. نام لک امروزه نه تنها برای طوایف لک زبان، بلکه برای نامیدن روستاها و مناطقی چند در سراسر کشور به کار برده می‌شود، که دهستان‌هایی در قروه کردستان، خدابنده (از توابع سنندج)، روستایی در شهرستان ارومیه، اهر اردبیل، قزوین، الیگودرز، میاندوآب و قم از آن جمله‌اند (عالی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۷). لکها در محدوده استان لرستان در شهرستان‌های نورآباد، الشتر، کوهدشت، خرم‌آباد، بروجرد و توابع آن به سر می‌برند. اقوامی از لکهای نورآباد با مهاجرت به شمال ایران در شهرستان‌های کلاردشت، مکارود، تیت‌دره و کجور سکنی گزیده‌اند. عده‌ای، با نام کورونی از لکهای طرحان، نیز به دهکده‌های خداآباد، شاپورکازرون و چهل چشمه شیراز مهاجرت کرده‌اند. گویش مورد بررسی در این پژوهش گویش سخنوران ساکن شهرستان نورآباد می‌باشد.

با وجود افتراق، موقعیت خاص اقوام لک تشابه زبانی و فرهنگی بسیار آنان به زبان و فرهنگ کردی و لری را به دنبال داشته است. قربت گویش لکی با لری و کردی همراه با تاثیر متقابل آنان بریکدیگر، تقسیم‌بندی‌های چندگانه پژوهشگران را نیز به دنبال داشته است، که موارد ذیل در این خصوص قابل ذکر می‌باشند. تفرجی یگانه (۱۳۸۵: ۳) گویش‌های کردی را در سه گروه کرمانجی شمالی، کرمانجی جنوبی و کرمانشاهی ارائه نموده است. وی کرمانجی شمالی را مشتمل بر گویش‌های بایزیدی، حکاری، آشیتی، بوتانی، بادینانی، و کرمانجی جنوبی را شامل گویش‌های مکرری، سورانی، سنهیی (سنندجی) و سلیمانیه‌ای می‌شمارد. گویش لکی در تقسیم‌بندی وی، همراه با گویش‌های کلهری و پشتکوهی در گروه کرمانشاهی واقع می‌گردد.

یارخزادی (۱۳۷۹)، در این ارتباط، زبان کردی را به زیرشاخه‌های زیر تقسیم نموده است: الف) کرمانجی شمالی، ب) کردی جنوبی (سورانی، ج) گورانی-زازی، د) کرمانشاهی-لری. در این طبقه‌بندی، گویش لکی در زیرشاخه کرمانشاهی-لری همراه با گویش‌های کرمانشاهی، فیلی، لری و بختیاری واقع می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق:

پژوهش‌های به انجام رسیده پیرامون گویش لکی در غالب موارد به شکل فرهنگ لغات، اصطلاحات، و ضرب‌المثل‌ها و در مواردی پیرامون دستور آن به انجام رسیده و نظام آوایی آن کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است؛ این در حالی است که در تمامی آثار گویشی موجود از نشانه‌های آوایی به منظور سهولت تلفظ پاره‌گفتارهای لکی بهره برده شده است، که تنها نمایانگری از دیدگاه نگارندگان آنان پیرامون واج‌های گویش به شمار می‌روند. در این ارتباط می‌توان پژوهش‌های زیر را برشمرد.

از آثار برجسته در گویش لکی فرهنگ دو زبانه لکی به فارسی (ایزد پناه، ۱۳۶۷) است، که با جدولی از نشانه‌های آوایی گویش از منظر نگارنده همراه است. وی همخوان‌های گویش لکی را ۲۴ و واکه‌ها را ۸ مورد برشمرده است.

میرچراغی (۱۳۶۹) نیز در بررسی ساختمان دستوری گویش لکی خواجهوندی در منطقه کلاردشت در استان مازندران، در توصیف همخوان‌ها از مشخصه‌های زبان‌شناختی جایگاه تولید، شیوه تولید و واگذاری، و در توصیف واکه‌ها از مشخصه‌های ارتفاع و نیز پسین یا پیشین بودن زبان بهره برده است. وی در تحلیل خود ۲۳ واج همخوانی و ۸ واج واکه‌ای (مشتمل بر ۶ واکه ساده و ۲ واکه مرکب) را در گویش نام برده است.

عالی‌پور خرم‌آبادی (۱۳۸۴) در کتاب "دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌نامه" در ارائه فهرست نشانه‌های آوایی، تعداد همخوان‌های گویش را ۲۸ و واکه‌ها را ۸ مورد دانسته است. در بین همخوان‌ها علاوه بر واج‌های /S/، /Z/، /Q/ وی از واج‌های /θ/، /ā/، /ā/، نیز نام برده است.

ناطوری (۱۳۸۳) نظام آوایی گویش لکی هرسین را از دیدگاه انگاره واجشناسی استاندارد مورد بررسی قرار داده است. وی در معرفی واج‌ها، به واجگونه‌ها نیز پرداخته، البته تعلق واجگونه‌ها به واج‌های مرتبط و یا تعیین هویت واجی آنان با استفاده از جفت یا

مجموعه‌های کمینه به انجام نرسیده است. در ارائه ساختار هجایی گویش در پژوهش مزبور از ۶ نوع هجا بدون اشاره به محدودیت‌های حاکم بر با هم آیی همخوان‌ها و واکه‌ها نام برده شده است.

نظام آوایی گویش لکی دلفان نیز در چارچوب واج‌شناسی زایشی (امیدی، ۱۳۸۸) بررسی و واج‌گونه‌های واج‌ها در محیط‌های آوایی گوناگون ارائه شده است. ساختمان هجا و عناصر موجود در آغازه، مرکز و پایانه هجا، همراه با تکیه و نقش آن در این گویش از دیگر مواردی است که در پژوهش مزبور به آنها پرداخته شده است. امیدی (۱۳۸۸) این گویش را واجد ۳۸ واج، مشتمل بر ۲۶ همخوان و ۱۲ واکه، و فاقد واکه مرکب برمی‌شمرد.

با وجود پژوهش‌های به انجام رسیده در توصیف آوهای لکی در تمامی آنان به ذکر مشخصاتی کلی بسنده شده و توصیفی کامل از واج‌ها و واج‌گونه‌ها ارائه نشده است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف ارائه تحلیل‌هایی ساختاری از واکه‌های لکی و تقسیم‌بندی‌های آنان نگاشته شده است.

شیوه تحقیق در اینجا به روش کتابخانه‌ای و به ویژه با بهره‌گیری دانش زبانی یکی از نگارندگان^{۱۹} به عنوان گویشور بومی گویش لکی نورآبادی نگاشته شده و به شیوه‌ای تقابلی با فارسی نوشتاری معیار به انجام رسیده است. تحقیق فوق با توجه به لزوم ثبت گویش‌های محلی و تاثیر به سزای زبان فارسی در همگون‌سازی گویش‌ها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. به منظور تسهیل مقابله و مقایسه نظام‌های واکه‌ای مورد بررسی، جدولی تقابلی از واکه‌ها با تاکید بر نکات اشتراک و افتراق در بخش بعد ارائه شده است. شیوه تحلیل تقابلی داده‌ها با توصیف و ارائه جداولی از جفت‌های کمینه (با تفاوت در یک واج هم‌جایگاه) که به صورت‌های باز (مختوم یه واکه) و بسته (مختوم یه همخوان) دسته‌بندی شده‌اند، در طی مقاله به انجام رسیده است. تحلیل‌های مذکور همراه با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از پژوهش در انتها ذکر شده است. شایان ذکر آنکه ثبت آوایی گویش یر مبنای جدول الفبای آوانگاری بین‌المللی^{۲۰} صورت گرفته است.

۳- توصیف واکه‌های گویش لکی در مقایسه با زبان فارسی

حق‌شناس (۱۳۵۶: ۷۳) واکه‌ها را آوایی برشمرده است که همراه با ارتعاش تارآواها در حنجره و گذرگاه باز عبور هوا تولید می‌شوند. میزان گشادگی گذرگاه با حرکاتی عمودی و افقی طبقه‌بندی واکه‌های زبانی را به دنبال دارد (گیتی دیهیم ۱۳۵۸: ۶۱-۶۲)؛ در حالی که، حرکت عمودی زبان در نزدیک و دور شدن به کام به تولید واکه‌های زبانی بسته، گشاده، نیمه بسته و نیمه گشاده می‌انجامد، حرکت افقی آن به سمت انتهای دهان و خیزش عقب آن در جهت پرده کام واکه‌های پسین (ملازی) و بالعکس در جلوی دهان و خیزش به سمت سخت‌کام واکه‌های پیشین (کامی) را تولید می‌نماید. واکه‌هایی نیز در زبان با وضعیتی میانی و خیزش قسمت وسطی رویه زبان به طرف ناحیه‌ای از کام که میان سخت کام واقع است برآوا می‌شوند، که میانه نامیده شده‌اند.

علاوه بر زبان، شکل لب‌ها نیز با ایجاد تغییر در حجم حفره دهان در تغییر کیفی واکه‌ها دخیل است. تغییرات در حجم حفره دهان به دو طریق طولی و عرضی به انجام می‌رسد. شکل گرد لب‌ها با درازی حفره دهان و در عین حال کشیده شدن گونه‌ها به جلو همراه است که خود به چسبیدگی جدار داخلی به دندان‌ها و کاهش عرض حفره دهان می‌انجامد. واکه‌های تولید شده با این شکل لب‌ها گرد نامیده و به درجات مختلف گرد بسته، نیمه گرد و گرد باز تقسیم شده‌اند. بسته‌تر بودن واکه‌ها اغلب با افزایش میزان گردی لب‌ها همراه است، که از کاهش فاصله دو فک و آزادتر شدن بیشتر لب‌ها برای حرکت به جلو ناشی می‌شود. اما گسترده‌تر شدن لب‌ها با افزایش عرض حفره دهان به ایجاد فاصله میان جدار داخلی لب‌ها و دندان‌ها می‌انجامد. در این حال قسمت جلوی لب‌ها به دندان‌های بالا و پایین چسبیده و کاهش طول حفره دهان، نسبت به حالت پیشین، را به دنبال دارد. واکه‌هایی که با این حالت لب‌ها تولید می‌گردند گسترده نامیده شده و به درجات گسترده بسته، نیمه گسترده و گسترده باز تقسیم گردیده‌اند. بر این

^{۱۹} محمد نوری دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

^{۲۰} International Phonetic Alphabet (IPA)

اساس درجهٔ افزایشی زبان، بخش دست اندر کار زبان در تولید واکه، و شکل لبها سه عامل اساسی در توصیف و طبقه‌بندی واکه‌ها برشمرده شده‌اند (نمره ۱۳۷۸: ۸۲-۸۳)، که بر آن مبنا به توصیف آوایی واکه‌ها در نظام‌های مورد بررسی می‌پردازیم. با توجه به پژوهش‌های بسیار به انجام رسیده در این حوزه در زبان فارسی (نمره ۱۳۷۸، حق‌شناس ۱۳۷۸، یارمحمدی؟، مشکوه‌الدینی؟، در میان سایرین) پژوهش حاضر با تاکید بر گویش لکی به انجام رسیده، که در تقابل با فارسی تحلیل شده است.

۳-۱. توصیف آوایی واکه‌ها در زبان فارسی

تشکل دستگاه واکه‌ای زبان فارسی، که در جدول (۱) ارائه شده است، شش واکه، مشتمل بر سه واکه پیشین و سه واکه پسین، را نمایان می‌سازد، که واکه‌های پیشین از مشخصهٔ گسترده و واکه‌های پسین از مشخصهٔ گرد بودن برخوردارند. این امر به تجلی پنج مشخصهٔ واجی تمایز دهندهٔ معنی در دستگاه واکه‌ای زبان فارسی منجر شده که شامل مشخصه‌های پسین، پیشین، افراشته، میانه و افتاده است؛ در حالی که دو مشخصهٔ گسترده و گرد متمایز سازنده معنی در فارسی به شمار نمی‌آیند.

جدول ۱: دستگاه واکه‌ای زبان فارسی

پسین	پیشین	
/u/ «او»	/i/ «ای»	افراشته
/o/ «-و-»	/e/ «-ی-»	میانه
/a/ «آ»	/a/ «-آ-»	افتاده

توصیف آوایی واکه‌های مذکور به نقل از نمره (۱۳۷۸: ۸۷-۹۵) عبارت است از:

۱. /i/: پیشین، بسته، گسترده، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی و آلمانی)
۲. /e/: پیشین، متوسط (نیم باز)، نیم گسترده، کوتاه.
۳. /a/: پیشین، باز، گستردهٔ باز، کوتاه (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه و سوئدی)
۴. /u/: پسین، بسته، گرد، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی و آلمانی)
۵. /o/: پسین، متوسط (نیم بسته)، نیم گرد، کوتاه (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه، انگلیسی، آلمانی و اسپانیایی)
۶. /a/: پسین، باز، گرد باز، کشیده (مشهود در دیگر زبان‌هایی چون فرانسه و انگلیسی)

۳-۲. توصیف آوایی واکه‌ها در گویش لکی:

امیدی (۱۳۸۸) واکه‌های گویش لکی را به سه دسته پیشین /i, e, ø, y, æ, œ, æ, / پسین /a, u, o, / و مرکزی /t/ تقسیم نموده است.

تحقیق حاضر حاکی از آن است که به دو دلیل تمام الگوهای واکه‌ای زبان فارسی در توصیف واکه‌های گویش لکی قابل اعمال نمی‌باشد: نخست آنکه در زبان فارسی تمامی واکه‌های پسین گرد و تمامی واکه‌های پیشین گسترده‌اند؛ در حالی که، گویش لکی، واجد واکه‌های پیشین گرد نیز می‌باشد، که واکه‌های /y/ در واژه /tyz/ (چهره)، /ø/ در واژه /nø:r/ (نفرین)، و /ø/ در واژه /nø:r/ (پاره نکن) نمونه‌هایی گویایی از این نوع واکه‌اند. دوم آنکه گویش لکی واکه‌هایی دیگر را نیز در نظام واکه‌ای خود دربرمی‌گیرد که در زبان فارسی دیده نمی‌شوند؛ مانند /ɔ:/ در واژه /ɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در واژه /ɔ:n/ (کتف)، /a:/ در واژه /a:f/ (رختخواب) /I:/ در واژه /tʃɪ:n/ (رفتن)، /I/ در واژه /tʃɪ:n/ (رگه، ردیف)، /ɛ/ در واژه /gɛʒɛk/ (دکمه)، /a:/ در واژه /va:r/ (برف)، /ɔ/ در واژه /hɜ:r/ (دره). جدول همخوان‌های لکی نورآبادی در پیوست مقاله آورده شده است.

^{۲۱} واکه‌های پیشین و گرد گویایی مشابه با واکه‌های زبان آلمانی می‌باشند.

بر مبنای تحقیق حاضر واژه‌ها در گویش لکی در چهار دسته عمده قابل ارائه‌اند. طبقه‌بندی فوق که به اختصار در ذیل ارائه شده در متن مقاله به تفصیل مورد بحث و بررسی واقع شده است.

۱) پسین و گرد: /u/ در /tʃul/ (خالی)، /ɔ:/ در /ʃɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در /ʃɔn/ (کتف)، /a:/ در /ʌa:f/ (رختخواب)، /a/ در /ʌaf/ (سیل).

۲) پیشین و گسترده: /i/ در /hiza/ (کیسه‌روغن)، /ɪ:/ در /tʃɪ:n/ (رفتن)، /ɪ/ در /tʃɪn/ (رگه، ردیف)، /ɛ/ در /gɛʒɛk/ (دکمه)، /a:/ در /va:r/ (برف)، /a/ در /var/ (جلو)

۳) پیشین و گرد: /y/ در /dyz/ (میزان)، /ø:/ در /nø:r/ (نفرین)، /ø/ در /nør/ (پاره نکن)

۴) مرکزی: /ɜ/ در /hɜr/ (درّه)، /ə/ در /məʒ/ (زغال روشن)

توصیفی کامل‌تر از واژه‌های مذکور در مقایسه با فارسی در جدول شماره ۲ ارائه شده است.



جدول ۲: دستگاه واکهای گویش لکی در مقایسه با فارسی

زبان فارسی				گویش لکی نورآبادی				
پیشین و گرد	پیشین و گسترده	مرکزی	پسین و گرد	پیشین و گرد	پیشین و گسترده	مرکزی	پسین و گرد	
-----	/i/	-----	/u/	/y/	/i/	-----	/u/	افراشته (بسته)
-----	/e/	-----	/o/	/ø/, /ø:/	/ɪ/, /ɪ:/	/ə/	-----	نیم افراشته (نیم‌بسته)
-----	-----	-----	-----	-----	/ɛ/	/ɜ/	/ɔ/, /ɔ:/	نیم افتاده (نیم‌باز)
-----	/a/	-----	/a/	-----	/a/, /a:/	-----	/a/, /a:/	افتاده (باز)

در ادامه به بررسی و تحلیل ویژگی‌های تولیدی واکهای گویشی پرداخته شده است.

۱، ۲، ۳. واکهای پسین و گرد:

- /u/ [- همخوانی، + هجایی، + رسا، + افراشته، + پسین، + گرد]

/u/ واکهای بسته یا افراشته است، که در تولید آن زبان حداکثر ارتفاع و نرمکام در وضعیت بالا قرار دارد و به این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود و با آزادی عبور هوا از مجرای دهان همراه می‌باشد. تارهای صوتی در وضعیت تولید واک و لبها با کشش به جلو به صورت گرد هستند. این واکه با همین خصوصیات در زبان فارسی موجود است.

جداول ۳ و ۴ نمایانگر نمونه واژه‌هایی گویشی با بهره‌گیری از جفت‌های کمینه با واج‌های باز /y, ɪ, ø/ و بسته /y, ɪ, ɛ/ در مقابل واکه /u/ گویش در نمایش تمایز واجی آنان است.

جدول ۳: جفت‌های کمینه باز با تقابل /u, y, ɪ, ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/du/	دوغ
/dy/	دود
/dɪ/	ساختمان
/dø/	عدد دو

جدول ۴: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /u, y, ɪ, ɛ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/suɪ/	عجله
/syɪ/	عروسی
/sɪɪ/	سیر
/sɛɪ/	نگاه کردن

- /ɔ/ [- همخوانی، + هجایی، + رسا، - افراشته، - افتاده، + پسین، + نیم گرد]

در تولید این واکه عقب زبان به طرف نرمکام بالا و در فاصله‌ای در حد واسط جایگاه دو واکه /o/ و /a/ در فارسی قرار می‌گیرد. بخش پیشین زبان اندکی به سمت عقب کشیده و در تشابه با حالت تولید واکه /o/ فارسی واقع می‌شود. شکل لبها به صورتی جلو آمده و گرد، ولی با جلوآمدگی کمتر از تولید واکه /o/ در فارسی است و با وسعت کمتر دایره لبها نسبت به آن تولید می‌گردد. انسداد مجرای عبور هوا از بینی و باواکی از دیگر مشخصه‌های آن است. به جفت‌های کمینه زیر در نمایاندن تمایز واجی /ɔ, I, Ø, / (باز) و /a, E, / (بسته) توجه نمایید.

جدول ۵: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɔ, I, Ø, /

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɔ/	صخره
/sø/	صبح
/si/	مشکی
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۶: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /ɔ, E, /

واژه گویشی	معادل فارسی
/ɔm/	اسم
/nem/	رطوبت، نم
/nam/	نیایم

- /ɔ:/ (واکهٔ پسین، نیم باز (نیم‌گرد، کشیده)

توصیف آوایی این واکه مشابه /ɔ/ و با تفاوت کشش واکهٔ فوق می‌باشد، که در تمایز نمونه واژه‌های /ɔ:nf/ (چوپان) و /ɔ:nf/ (کتف) آشکار است.

- /a/ [- همخوانی، + هجایی، + رسا، + افتاده، + پسین، + گرد]

این واکه که از ویژگی‌های تولیدی برابری با واکه متناظر خود با فارسی برخوردار است، با برآمدگی جزئی در بخش پسین زبان تولید می‌شود. مسافت میان عقب زبان و نرمکام حدوداً دو برابر مسافت آنان (ثمره ۱۳۷۸: ۹۰) در تولید /o/ در فارسی است. آزاد بودن بخش پیشین زبان و مماس بودن کناره‌های آن بر دیوارهٔ داخلی دندان‌های پایین در تولید آن، همراه با جلوآمدگی اندک لب‌ها با شکلی بیضی‌گونه مشهود است. بالا رفتن نرمکام در تولید آن به انسداد مجرای عبور هوا از بینی انجامیده و باواکی از دیگر مشخصه‌های آن است. شایان ذکر آنکه واکه /a/ به دنبال همخوان‌های دمیده به صورت ناقص واکرفته می‌گردد. نمونه‌هایی گویشی از این واکه در تقابل با /ɔ, Ø, I, / (باز) و /a, u, / (بسته) در جداول ۷ و ۸ نشان داده شده است. چون این واکه در زبان فارسی هم موجود است توصیفات آن با توصیفات این واکه در زبان فارسی یکی است.

جدول ۷: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɔ, ɪ, ø, a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɔ/	صخره
/sø/	صبح
/sɪ/	مشکی
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۸: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /u, a, a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/qap/	قوزک پا
/qap/	مقیاسی برای اندازه‌گیری وزن
/qap/	گروه

• /a:/ (واکهٔ پسین، باز، گرد باز، کشیده)

توصیف آوایی /a:/ همانند /a/ و تنها در کشش بیشتر /a:/ می‌باشد، که در جداول ۹ و ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۹: جفت کمینهٔ باز

واژه گویشی	معادل فارسی
/da:/	مادر
/da/	داد

جدول ۱۰: جفت کمینهٔ بسته

واژه گویشی	معادل فارسی
/la:f/	رختخواب
/laf/	سیل

۲.۲.۳. واکه‌های مرکزی:

• /ə/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، -پیشین، -گرد، -گسترده]

این واکه که در زبان‌های آلمانی و سوئدی نیز موجود است نه باز یا نیم‌باز و نه بسته یا نیم‌بسته به شمار می‌آید. در تولید آن شکل لب‌ها در حالت طبیعی بدون گرد یا گسترده بودن است و از نظر جایگاه میانی محسوب می‌گردد؛ بر این اساس آن را واکه میانی خنثی نیز می‌توان نامید. جدا بودن لب‌ها از یکدیگر و قرار گرفتن زبان در حالت طبیعی با رانش نامحسوس بخش میانی زبان در

تولید این واکه مشهود است. انسداد مجرای بینی با ارتقای نرمکام، همراه با واگذاری تارهای صوتی در آن دیده می‌شود. به نمونه-هایی از آن در تقابل با /y, ɔ/ (باز) و /I/ (بسته) توجه کنید.

جدول ۱۱: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɔ, y, ə/

واژه گویشی	معادل فارسی
/mə/	من
/my/	مو
/mɔ/	ماده اسب

جدول ۱۲: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /I, ə/

واژه گویشی	معادل فارسی
/məʒ/	ذغال افروخته
/mɪʒ/	مکیدن

• /3/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، -پیشین، +گرد]

در تولید واکه نیمه‌باز فوق که از نظر جایگاه میانی محسوب می‌شود، لب‌ها کمی گرد و زبان در حالت طبیعی واقع می‌شود. انقباضی کلی در زبان به هنگام فراگویی آن مشهود است که با تمایل نامحسوس نوک زبان به طرف بالا همراه است. جدا بودن لبها از یکدیگر، بسته بودن مسیر بینی، و ارتعاش تارهای صوتی از دیگر ویژگی‌های تولیدی آن به شمار می‌آید. تقابل واج مذکور در مقابل /I, y/ (باز) و /a, u, y/ (بسته) در جدول‌های ۱۳ و ۱۴ نشان داده شده است.

جدول ۱۳: جفت‌های کمینه باز با تقابل /I, y, 3/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dʒ/	دویدن
/dɪ/	ساختمان
/dy/	دود

جدول ۱۴: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a, ɔ, u, y/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dʒr/	اطراف
/dur/	گردش، چرخیدن
/dar/	درخت
/dyr/	دور

۳،۲،۳. واکه‌های پیشین و گسترده:

• /i/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، -گرد]

واکه فوق که با ویژگی‌هایی یکسان در هر دو نظام مورد بررسی مشهود است، با بالا رفتن جلوی زبان به طرف سخت‌کام همراه است. زبان در این فرایند تولیدی در فاصله‌ای نسبت به سخت‌کام قرار می‌گیرد که طی آن عبور جریان هوا بدون ایجاد سایش به انجام می‌رسد. آزاد بودن نوک زبان و واقع شدن آن در پشت دندان‌های پایین، همراه با چسبیدن بخش میانی حاشیه‌های زبان به اطراف کام بر روی دیواره داخلی دندان‌های بالا از ویژگی‌های تولیدی آن به شمار می‌آید. بدیهی است که فاصله اندک میان دندان‌های بالا و پایین و همچنین فاصله اندک میان سطح زبان و سخت‌کام به کاهش حجم حفره دهان می‌انجامد، که بر این مبنا واکه حاصل را به اعتبار حجم دهان «بسته» و به اعتبار ارتفاع زبان «افراشته» نامیده‌اند. همچنین افراستگی بخش پیشین زبان در تولید آن به طبقه‌بندی آن به عنوان واکه‌ای پیشین می‌انجامد.

• /ɪ/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، -گرد]

بخش پیشین زبان و سخت‌کام اندام‌های سازنده این واکه‌اند. در تولید آن فاصله میان جلوی زبان و سخت‌کام، بیش از این فاصله در تولید /i/ و کمتر از آن در تولید /e/ در زبان فارسی است. فاصله دندان‌های بالا و پایین نیز به همان نسبت بیشتر از فاصله موجود در تولید واکه /i/ و کمتر از آن در تولید /e/ می‌باشد. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد، که البته با کشیدگی بیشتر حجم زبان به جلو نسبت به تولید /e/ فارسی همراه است. نرم‌کام در موقعیت بالا و تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار دارند. لب‌ها نیز به شکلی نیم‌گسترده در می‌آیند، که از گستردگی بیشتر نسبت به تولید /e/ برخوردارند. تقابل این واج با واج‌های /ɔ/، /ø/، /a/ (باز) و /ɛ/، /u/، /y/ (بسته) در جفت‌های کمینه زیر در لکی در جداول ۱۵ و ۱۶ نشان داده شده است.^{۲۲}

جدول ۱۵: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɪ, a, ø, ɔ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɪ/	مشکی
/sa/	آسمان بدون بارندگی
/sø/	صبح
/sɔ/	صخره

جدول ۱۶: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /ɪ, y, u, ɛ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sɪɪ/	سیر
/syɪ/	عروسی
/suɪ/	عجله
/sɛɪ/	نگاه کردن

^{۲۲} شایان ذکر آنکه واکه فوق در ادوار گذشته در زبان فارسی نیز وجود داشته است.

• /ɪ:/ (واکهٔ پیشین، بسته، گسترده، کشیده)

توصیف واکهٔ /ɪ:/ همانند /ɪ:/ و با تفاوت در کشیده‌تر بودن /ɪ:/ است. تمایز واجی این دو واکه در جدول ۱۷ نشان داده شده است.



جدول ۱۷: نقش متمایزسازنده کشش در /ɪ/ و /i:/

واژه گویشی	معادل فارسی
/tʃɪn/	رگه، ردیف
/tʃi:n/	رفتن

• /ɛ/ [- همخوانی، + هجایی، + رسا، - افراشته، - افتاده، - پسین، - گرد- گسترده]

فاصله میان بخش پیشین زبان و سخت‌کام به عنوان اندام‌های سازنده این واکه در تولید آن دو برابر این فاصله در تولید /i/ است. در فراگوئی آن نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد، و نیز کناره‌های زبان با فاصله از دندان‌های کناری بالا قرار دارند. نرم‌کام در موقعیت بالا و مسیر عبور هوا از بینی مسدود است. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک و لب‌ها به شکل نیم‌گسترده قرار دارند. تمایز واجی این واکه در جفت‌های کمینه گویشی در جدول‌های ۱۸ و ۱۹ نمایش داده شده است.

جدول ۱۸: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ɪ, y, ø, ɛ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/kɛ/	چه وقت
/kɪ/	کوتاه
/ky/	کدو
/kø/	کوه

جدول ۱۹: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /i, a, ɑ, ɛ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dɛm/	کشت دیم
/dam/	دهان، دهانه، درب
/dam/	دادم
/dim/	دیدم

• /a/ [- همخوانی، + هجایی، + رسا، + افتاده، - پسین، - گرد]

در تولید این واکه، که با ویژگی‌هایی یکسان در هر دو نظام مورد بررسی مشهود است، شاهد بیشترین حد از فاصله جلوی زبان تا سخت‌کام هستیم. برجستگی زبان اندک، و به شکل انقباضی از جلو به عقب در بدنه زبان تظاهر می‌یابد. کناره‌های زبان با دیواره داخلی دندان‌های پایین در تماس و نوک آن با کششی اندک به عقب همراه شده و در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد. شکل لب‌ها گسترده باز است، که بدان مفهوم است که لب بالا دندان‌های بالا را می‌پوشاند ولی لب پایین اندکی به پایین کشیده می‌شود به طوری که نوک دندان‌های پایین نمایان و گوشه‌های لب‌ها در تولید آن اندکی به سمت عقب کشیده می‌شود. به تمایز واجی این واکه در جفت‌های کمینه باز که در اینجا بر مبنای اختلاف در واج آغازی یا پایانی به ترتیب به نوع اول (جدول ۲۰) و دوم (جدول ۲۱) تقسیم شده‌اند، و نیز با جفت‌های کمینه بسته (جدول ۲۲) توجه نمایید.

جدول ۲۰: جفت‌های کمینه باز نوع اول (اختلاف در واج آغازی) با تقابل /a, I, a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/asa/	آن زمان
/Isa/	این زمان
/asa/	اسم خاص

جدول ۲۱: جفت‌های کمینه باز نوع دوم (اختلاف در واج پایانی) با تقابل /a, a:, u, ū, ē, ø, i/

واژه گویشی	معادل فارسی
/da/	عدد ده
/da:/	مادر
/du/	دوغ
/dū/	دود
/dē/	ساختمان
/dø/	عدد دو
/di/	دیگر

جدول ۲۲: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a, a:, a, 3/

واژه گویشی	معادل فارسی
/tal/	شاخه
/ta:/	تلخ
/tal/	تار، رشته
/t3/	پیشانی

• /a:/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، +افتاده، -پسین، -گرد، +کشیده]

واکه /a:/ در لکی از توصیفی مشابه با /a/ و با اختلاف در کشش /a:/ نسبت به دیگری برخوردار است. به تمایز واجی این وکه در جفت‌های کمینه زیر با واکه‌های باز و بسته به ترتیب در جداول ۲۳ و ۲۴ توجه نمایید.

جدول ۲۳: جفت‌های کمینه باز با تقابل /a:, ø, y, 3/

واژه گویشی	معادل فارسی
/ka:/	کاه
/kø/	کوه
/kε/	چه وقت

کدو	/ky:/
-----	-------

کدو

جدول ۲۴: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a:، a/

واژه گویشی	معادل فارسی
/tal/	شاخه، تار
/ta:l/	تلخ
/var/	جلو
/va:r/	برف

۴،۲،۳. واکه‌های پیشین و گرد

• /y/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، +افراشته، -پسین، +گرد، +کشیده]

در تولید این واکه بخش پیشین زبان به سوی سخت‌کام به بالا رفته و با واقع شدن در فاصله‌ای نسبت به آن عبور بدون سایش جریان هوا را میسر می‌سازد. نوک زبان آزاد و اغلب در پشت دندان‌های پایین قرار می‌گیرد، که با چسبیدن بخش میانی حاشیه‌های زبان به اطراف کام بر روی دیواره داخلی دندان‌های بالا همراه می‌گردد. فاصله اندک فوق میان دندان‌ها و نیز میان سطح زبان و سخت‌کام به کاهش حفره دهان می‌انجامد، که بر این اساس به اعتبار حجم دهان واکه را «بسته» و به اعتبار ارتفاع زبان «افراشته» قلمداد می‌نمایند. همچنین افراستگی بخش پیشین زبان در تولید آن به «پیشین» شمردن واکه مورد بحث می‌انجامد. انسداد مسیر بینی، ارتعاش تارهای صوتی، کشیدگی لب‌ها به جلو، و نیز گردی لب‌ها در تولید آن مشهود است. البته قابل توجه آنکه میزان جلوآمدگی لب‌ها در تولید /y/ بیشتر از همین حالت در تولید /u/ در لکی است، که با کوچکتر بودن دایره لب‌ها در تولید /y/ نسبت به /u/ دیده می‌شود. تقابل این واکه با واکه‌های /ɪ، u/ و /ø، a، u/ به ترتیب در جفت‌های کمینه مذکور در جداول ۲۵ و ۲۶ نشان داده شده است.

جدول ۲۵: جفت‌های کمینه باز با تقابل /ø، ɪ، y، u/

واژه گویشی	معادل فارسی
/dy/	دود
/du/	دوغ
/dø/	عدد دو
/dɪ/	ساختمان

جدول ۲۶: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /a، y، u/

واژه گویشی	معادل فارسی
/tyz/	قیافه
/tuz/	گرد و خاک
/taz/	خستگی

• /ø/ [-همخوانی، +هجایی، +رسا، -افراشته، -افتاده، -پسین، +گرد]

تولید این واکه با بالا رفتن بخش پیشین زبان به سمت سخت‌کام، و واقع شدن آن در فاصله‌ای همانند فراگویی واکه /e/ در فارسی است. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین، مسیر بینی با ارتقای نرم‌کام مسدود، و تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند. شکل لب‌ها جلو آمده و گرد، ولی با جلوآمدگی بیشتر و دایره کوچکتر لب‌ها نسبت به تولید /o/ فارسی است. این واکه در دوره‌های گذشته در زبان فارسی نیز وجود داشته و در طی مراحل تغییرات تاریخی زبان از دست رفته است. نمونه‌وارهایی گویشی از جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ɔ, ɪ, ø/ و بسته با تقابل /y, ø, ɪ, ø/ در جداول ۲۷ و ۲۸ نمایانده شده است.

جدول ۲۷: جفت‌های کمینه باز با تقابل /a, ɔ, ɪ, ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/sø/	صبح زود
/si/	مشکی
/sɔ/	صخره
/sa/	آسمان بدون بارندگی

جدول ۲۸: جفت‌های کمینه بسته با تقابل /y, ø, ɪ, ø/

واژه گویشی	معادل فارسی
/nøɾ/	پاره نکن
/nø:r/	نفرین
/nyɾ/	نور
/niɾ/	جنس نر

• /ø:/ [واکه پیشین، نیم باز، گرد، کشیده]

توصیف آوایی این واکه همانند /ø/ با تفاوت در میزان کشش است، و در تقابل واجی با /a:/، ø:، ɛ/ در جفت‌های کمینه زیر در جدول ۲۹ نشان داده شده است.

جدول ۲۹: تقابل واجی /a:/، ø:، ɛ/

واژه گویشی	معادل فارسی
/nøɾ/	پاره نکن
/nø:r/	نفرین
/nɛɾ/	سر و صدا به علت ناراحتی
/na:r/	آسیاب نکن

۳،۳. واکه مرکب در گویش لکی

نظام آوایی زبان‌ها اغلب مشتمل بر دسته‌ای دیگر از واکه‌ها موسوم به واکه‌های مرکبند که تولید آنان با تغییراتی در شکل لب‌ها، ارتفاع نوک زبان و حالت زبان همراه می‌باشد. تغییراتی همچون تغییر حالت نوک زبان از میانه به افراشته و زبان از پیشین‌افتاده به پسین‌افراشته نمونه‌هایی از آن به شمار می‌آیند.

واکه‌های مرکب در زبان فارسی همواره از موارد بحث برانگیز میان زبان‌شناسان بوده است. صورت‌های آوایی /ey/ و /ow/ در واژه‌هایی همانند /deyn/ «دین»، /seyr/ «سیر»، /jowr/ «جور»، و /rowsan/ «روشن»، گاه ترکیبی دو واجی از /ey/ و /ov/ و گاه واکه‌های مرکب دانسته شده‌اند، و بر این مبنا دستگاه واکه‌ای زبان فارسی را مشمول بر دو واکه مرکب فوق علاوه بر شش واکه ساده به شمار آورده‌اند (مشکوٰه الدینی، ۱۳۶۴: ۵۴).

تحقیقات به انجام رسیده در پژوهش حاضر حاکی از فقدان واکه مرکب در گویش لکی می‌باشد، و واژه‌هایی همچون /əw/ (او؛ ضمیر شخصی سوم شخص مفرد)، با توجه به وجود همخوان /w/ در گویش لکی از دو واج مجزا که عبارتند از واکه /ə/ و همخوان /w/ تشکیل شده است.

۴- نتیجه‌گیری:

مقاله حاضر تلاشی است در راستای توصیف واکه‌ها در گویش لکی که همراه با تحلیلی بر تفاوت‌ها و تشابهات ساخت واکه‌ها در گویش لکی در مقایسه با زبان فارسی معیار به انجام رسیده است. تحلیل‌های ارائه شده نمایانگر تقسیم‌بندی چهارگانه واکه‌ها در گویش لکی است، که مشتمل است بر: (۱) پسین و گرد: /u/ در /tʃul/ (خالی)، /ɔ:/ در /ɔ:n/ (چوپان)، /ɔ/ در /ɔn/ (کتف)، /a:/ در /laf/ (رختخواب)، /a/ در /laf/ (سیل)؛ (۲) پیشین و گسترده: /i/ در /hiza/ (کیسۀ روغن)، /ɪ:/ در /tʃɪ:n/ (رفتن)، /i/ در /tʃɪn/ (رگه، ردیف)، /ɛ/ در /gɛʒɛk/ (دکمه)، /a:/ در /va:r/ (برف)، /a/ در /var/ (جلو)؛ (۳) پیشین و گرد: /y/ در /dyz/ (میزان)، /ø:/ در /nø:r/ (نفرین)، /ø/ در /nør/ (پاره نکن)؛ (۴) مرکزی /ɜ/ در /hɜ:r/ (دره)، /ə/ در /mæʒ/ (زغال روشن). تقسیم‌بندی چهارگانه گویشی فوق در مقابل تقسیم‌بندی دوگانه واکه‌ها در زبان فارسی مطرح شده است، که سه واکه پیشین [i/ɛ/a/ /i/ /e/ /a/] و سه واکه پسین [a/ /o/ /u/ /a/ /o/ /u/] را در بر می‌گیرد. در رابطه با ۴ واکه [a/ /a/ /a/ /i/ /u/] دو نظام مورد بررسی از عملکردی تقریباً یکسان برخوردارند، به طوری که این واکه‌ها در هر دو نظام ملاحظه می‌گردند؛ این در حالی است که گویش لکی نورآبادی فاقد واکه‌های /o/ و /ə/ می‌باشد، در حالی که ۷ واکه [ɪ:/ /ø/ /y/ /ɔ/ /ɛ/ /ɜ/ و /ə/] را نیز در نظام واجی خود در بر می‌گیرد که فاقد صورتی نظیر در زبان فارسی‌اند. همچنین کشش واکه‌ای در گویش لکی از نقشی واجی و ویژگی تمایزدهندگی معنا برخوردار است، به طوری که واکه‌های [ɔ:/ /ɪ:/ /ø:/ /a:/ /a:/] محصولی از این فراینداند. بر این مبنا، پژوهش حاضر حاکی از وجود نظامی واکه‌ای مشتمل بر ۱۶ واکه (همراه با ویژگی ممیز کشش) در گویش لکی نورآبادی در تقابل با نظام ۶ واکه‌ای زبان فارسی است.

منابع و مأخذ:

- ام. کی. سی. مک موان (۱۳۷۳). *آواشناسی*، جلد اول، تهران: انتشارات روایت.
- امیدی، عباس (۱۳۸۸). *نظام آوایی گویش لکی دلفان در چارچوب واج شناسی زایشی*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ایزد پناه، حمید (۱۳۶۷). *فرهنگ لکی*، مؤسسه فرهنگی جهانگیری.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸). *آواشناسی زبان فارسی*، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۸). *آواشناسی*، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- دیپهیم، گیتی (۱۳۵۸). *درآمدی بر آواشناسی عمومی*، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- رحیمی، رستم (۱۳۷۹). *بومیان دره مهرگان، کرمانشاه: انتشارات ماهیدشت*.

- عالی پور، کامین (۱۳۸۴). دستور زبان لکی، چاپ امیرکبیر، خرم آباد: انتشارات افلاک.
- کاظمی، فروغ (۱۳۸۴). بررسی خطاهای نحوی لک‌زبانان در یادگیری و کاربرد زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی بر پایه نظری گشتاری، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۴). ساخت آوایی زبان، چاپ سوم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میرچراغی، سید فرهود (۱۳۶۹). بررسی ساختمان دستوری گویش لکی «خواجوندی» کلاردشت، تهران: انتشارات پرهام نشر.
- ناطوری، مهرناز (۱۳۸۳). نظام آوایی گویش لکی هرسین از دیدگاه انگاره واج‌شناسی زایشی استاندارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۹۸۹). درآمدی به آواشناسی. تهران: انتشارات دانشگاه ایران.



پیوست:

جدول نشانه‌های آوایی همخوان‌های لکی بر مبنای الفبای آوانگار بین‌المللی

آوا	توصیف آوایی	نمونه لکی	معادل فارسی
b	همخوان انسدادی دو لبی باواک	/bələŋ/	بلند
p	همخوان انسدادی دو لبی بی‌واک	/pəŋ/	نخ
t	همخوان انسدادی دندانی - لثوی بی‌واک	/tʏšk/	بزغاله
d	همخوان انسدادی دندانی - لثوی باواک	/dərɪʒ/	دراز
k	همخوان انسدادی نرم کامی بی‌واک	/kəlâw/	کلاه
g	همخوان انسدادی نرم کامی باواک	/gwənuʒ/	سوزن بزرگ
G	همخوان انسدادی ملازی باواک	/Gəl/	عمیق
m	همخوان خیشومی دو لبی باواک	/məʒ/	زغال روشن
n	همخوان خیشومی لثوی باواک	/kani/	چشمه
ŋ	همخوان خیشومی نرم‌کامی	/məŋâ/	ماده گاو
r	همخوان لرزان لثوی باواک	/var/	جلو - قبل
f	همخوان سایشی لب و دندانی بی‌واک	/fəra/	زیاد
v	همخوان سایشی لب و دندانی باواک	/vəran/	قوچ
s	همخوان سایشی لثوی بی‌واک	/sər/	بی حس
z	همخوان سایشی لثوی واک دار	/zəŋj/	چانه
š	همخوان سایشی پس لثوی واک دار	/šəw/	شب
ž	همخوان سایشی پس لثوی واک دار	/žan/	زن
χ	همخوان سایشی ملازی بی‌واک	/χwa/	خواهر
h	همخوان سایشی چاکنایی بی‌واک	/hwar/	خورشید
č	همخوان انسایشی پس لثوی بی‌واک	/pâčâ/	افسانه - داستان
j	همخوان انسایشی پس لثوی باواک	/jəka/	گنجشک
l	همخوان ناسوده کناری لثوی باواک	/kaləŋ/	بزرگ
ɭ	همخوان ناسوده کناری تقریبی کامی باواک	/ɭaxaru/	روده
y	نیم واکه سخت کامی باواک	/yâwâš/	یوآش
w	نیم واکه لبی - نرم کامی باواک	/wəʒ/	خود